

## ابتدا بفرمایید چگونه با شهید سیدعباس موسوی آشنا شدید؟

اولین بار هنگامی که در سال ۱۹۹۱ به دبیرکلی حزب الله انتخاب شد، با سید دیدار کردم. البته نام و نشان و ویژگی های این مرد بزرگ را از قبل شنیده بودم. در آن دیدار به من گفت که از سن ۱۵ سالگی و پس از فاجعه شکست اعراب در جنگ پنجم ژوئن سال ۱۹۶۷ با اسرائیل، به جنبش مقاومت فلسطین پیوسته است. او در آن مرحله در یک عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی شرکت کرد، و از ناحیه ساق پا آسیب دید و نمی توانست راه برود، و مدتی تحت درمان قرار گرفت. ابو یاسر (سیدعباس) تعریف می کرد که خیلی به قدس و مسجد الاقصی عشق و علاقه دارد، و برای آرمان فلسطین با شور و حماسه تلاش می کرده است. هنگامی که درباره قدس و فلسطین با من صحبت می کرد اشک از گونه هایش جاری می شد.

### از این دیدار چه احساسی داشتید؟

احساس کردم در زمینه پیکار و مقاومت با اشغالگران صهیونیست و لزوم ادامه مبارزه تا آزاد سازی سرزمین فلسطین، با یکدیگر دیدگاه مشترک داریم. او را یک رهبر جهادگر خستگی ناپذیر یافتم، که به رزمندگان مقاومت لبنان و فلسطین در میدان مبارزه و پیکار روحیه می بخشید. شجاعت و پایداری او و صف ناپذیر بود. هنگام بمباران جبهه های جنگ و محورهای استقرار رزمندگان مقاومت اسلامی در جنوب لبنان از این محورها بازدید می کرد. میان من و او پیوندهای مشترک روحی و معنوی وجود داشت. این پیوندها بر مبنای صداقت و راستی و درستی استوار بود. رفتار او با اقشار گوناگون مردم به ویژه با رزمندگان مقاومت نیز بسیار متواضعانه و اخلاقی و انسانی بود.

فرزندانم مرحوم جهاد جبریل، در دوران حیات، شیفته شخصیت سیدعباس موسوی شده بود. او شهید موسوی را یک رهبر عملیاتی به تمام معنی توصیف می کرد که هنگام حضور در محورهای رزم جنوب لبنان، عمامه اش را از سر بر می دارد و اسلحه به دست می گیرد، و دوش به دوش مجاهدان مقاومت حرکت می کند. شنیدن خبر شهادت سید، فرزندم جهاد را بسیار غمگین ساخت. در پی شهادت سید بیدرنگ تصمیم گرفتم به لبنان بروم. فرزندم اصرار کرد که همراه من به لبنان بیاید تا در مراسم تشییع و خاکسپاری سید شرکت کند. چرا که او نسبت به سیدعباس

## سیدعباس از اندیشه و دیدگاه راهبردی برخوردار بود، و همواره تأکید می کرد که پیروزی ملت فلسطین بر دشمن صهیونیستی حتمی است، و خداوند وعده این پیروزی را داده، و به یاری خدا این وعده تحقق خواهد یافت.

بسیار عشق و علاقه داشت.

### در پیکار و تلاش برای آزادی فلسطین چه نوع همکاری با هم داشتید؟

هرگز جلسات مشترک کاری را که با هم داشتیم فراموش نمی کنم. در این جلسات درباره راه های مقابله با تلاش ها و توطئه های دولت های عربی و غربی و نیز توطئه برخی محافل فلسطینی برای سرکوب و توقف انتفاضه در سرزمین های اشغالی فلسطین بحث و تبادل نظر به عمل می آوردیم. به یاد دارم که چند روز پیش از برپایی کنفرانس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱ همراه یکدیگر عازم تهران شدیم، و در کنفرانس گسترده احزاب و جنبش های عربی و اسلامی شرکت کردیم. او از طریق سخنرانی و یا گفت و گو با هیئت های شرکت کننده، به منظور پیشبرد مبارزات ملت فلسطین طرح های شجاعانه و منطقی ارائه داد. من و سیدعباس موسوی در حاشیه همایش تهران که (همایش همیاری ملت فلسطین) نام داشت به توافق رسیدیم تا جایی که در توان داریم به فعالیت های گوناگون در لبنان و سوریه بپردازیم. سیدعباس پس از بازگشت به بیروت بخش وسیعی از مردم لبنان را در رویارویی با مقررات اجلاس مادرید و پشتیبانی از انتفاضه فلسطین بسیج کرد، و تعهدات خود در اجلاس تهران را به مورد اجرا گذاشت. با این وصف توده فلسطینی به سیدعباس موسوی چگونه نگاه می کرد؟

شکی نیست که مردم فلسطین سیدعباس موسوی را فلسطینی تر از خود می دانستند. من نیز این احساس را داشتم، حضور فعال در صحنه پیکار، مبارزات خستگی ناپذیر، و تلاش برای تحقق اهداف و خواسته های امت اسلامی زیانزد همه شده بود. او با دور اندیشی به

آرمان فلسطین نگاه می کرد. روزی با صراحت و با قاطعیت به من چنین گفت: «ابو جهاد، گمان نکن که ما فقط برای آزاد سازی جنوب لبنان پیکار می کنیم! هدف نهایی ما آزاد سازی بیت المقدس است. چرا که قدس اولین قبله مسلمانان و سومین حرم شریف الهی است.» همچنین در جریان دیدارهای خصوصی به من می گفت که او از نسل بنی هاشم است پدر و مادر او از سادات علوی و از نسل اهل بیت اند. بنابر این چگونه می پذیرد که از فلسطین چشم پوشی کند!

### برای آزادی فلسطین چگونه می اندیشید، و چه گام هایی برداشت؟

دبیرکل شهید حزب الله عقیده داشت که ابتدا لازم است صفوف جنبش ها و سازمان های مبارز فلسطینی، در برابر جریان های سازشکار فلسطینی که با رژیم های خائن عرب همگام و همراه شده اند، متحد و یکپارچه شود. او توافقنامه سازشکارانه «کمب دیوید» میان مصر و اسرائیل و توافقنامه ذلت بار «وادی عربیه» میان اردن و اسرائیل را به شدت رد کرد. هنگامی که گروه های جهادی جدیدی چون، سازمان جهاد اسلامی و جنبش حماس در فلسطین شکل گرفتند، سید بر اساس باورهای خود، این جنبش ها را به وحدت و یکپارچگی و تشدید مبارزه فراخواند. او معتقد بود که وحدت جنبش های مقاومت فلسطینی بر سرنویشت مناقشه اعراب و اسرائیل نقش تعیین کننده خواهد داشت. سیدعباس از اندیشه و دیدگاه راهبردی برخوردار بود، و همواره تأکید می کرد که پیروزی ملت فلسطین بر دشمن صهیونیستی حتمی است، و خداوند وعده این پیروزی را داده، و به یاری خدا این وعده تحقق خواهد یافت. بی تردید نشانه های این پیروزی در لبنان نمایان گشته است. اکنون رزمندگان مقاومت سلاح به دست در مرز فلسطین اشغالی استقرار یافته اند، و سربازان اسرائیلی از شدت ترس و نگرانی هیچ واکنشی نشان نمی دهند. حزب الله هم اکنون توان بازدارندگی قدرت ارتش اسرائیل را دارد، و همان گونه که در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ شاهد بوده اید، نوعی موازنه رعب با اسرائیلی ها در جنوب لبنان برقرار کرده است. من بر این باورم که به رغم شکست و ناکامی رژیم های عربی و یا اسلامی در برابر اسرائیل، از هم اکنون نشانه های مثبت تحقق آرمان های مقدس شهید سیدعباس موسوی نمایان شده است. ■

## اندیشه های راهبردی سید زمینه ساز پیروزی ملت فلسطین... ■

گفت و گوی شاهد یاران با احمد جبریل

دبیرکل جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل)

جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل) به رهبری احمد جبریل یکی از گروه های دهگانه فلسطینی است که هرگونه سازش با رژیم صهیونیستی را رد می کرد. این جبهه تلاش های شهید سیدعباس موسوی، دبیرکل پیشین حزب الله برای یکپارچگی این گروه های مبارز فلسطینی و مخالفت با کنفرانس صلح مادرید و موافقتنامه اوسلو را فراموش نمی کند. احمد جبریل در این گفت و گو نقش شهید موسوی در صحنه فلسطین را بازگو می کند.

درآمد

